

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

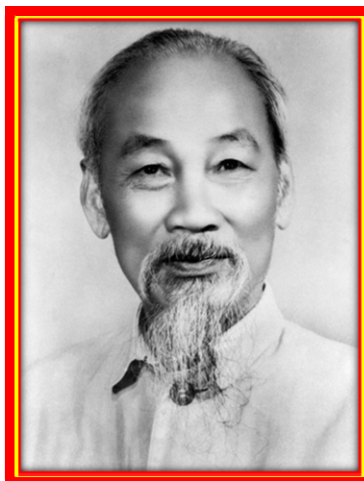
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: هوشی مین
برگردان از: توفان آراز
۱۱ اگست ۲۰۲۱

کار نظامی حزب در میان دهقانان اسلوب های چریکی انقلابی (۳)



برای حزب پرولتاریائی اعمال رهبری شایسته بر جنبش چریکی تنها در حالتی ممکن است، که حزب دارای نفوذ بر دهقانان باشد و دهقانان شعارهای آن را بپذیرند و برای تحقق بخشیدن به آن ها در عمل مبارزه نمایند. در ممالکی که سازمان های توده-ئی یافت می گردند، حزب باید در تلاش تأثیرگذاری بر آن ها و رهبری جنبش چریکی هم مستقیماً و هم به توسط آن ها باشد (زیرا واحدهای چریکی دقیقاً به توسط همین سازمان-های دهقانی رهبری می گردند). در نقاطی که چنین سازمان های توده ئی وجود نداشته باشند، حزب باید سازمان های چریکی را به مثابه ابزار برای رهبری سیاسی دهقانان به کارگیرد. نفس سازمان چریکی باید پیشآهنگ توده های کارگر دهقانی - فراکسیون فعال، مستعد مبارزه و رهبری کننده شان باشد و چنین نیز هست.

سازمان نیافتگی منظم نیروهای مسلح و دستگاه رهبری واحدهای چریکی در بلغارستان دارای تأثیر بسیار تأسف باری در خیزش های بلغارستان در ۱۹۲۳ بود. این دلیل بر آن بود که عملیات

واحدهای گوناگون به آن شکل ناپسند هم‌آهنگ گشته بودند، و نیروهای منظم، که برای مقابله با آن‌ها ارسال گردیدند، وظیفه‌شان نسبتاً بسادگی انجام شد. حزب کمونیست ابتداء در آغاز ۱۹۲۴ به تشکیل یک دستگاه رهبری اقدام نمود. نیروهای دهقانی مسلح باید با این الگو سازماندهی، یا درست‌تر بازسازماندهی می‌گردیدند: گروه‌های پایه می‌باید متشکل از شش نفر (یک رهبر و پنج مرد مسلح) باشند؛ سه چهار گروه شش نفره می‌باید تشکیل یک چتا (Cheta) را دهند، و سه تا پنج چتی (Chety) تشکیل یک دروزهینا (druzhina) را بدهند. در صورت ضرورت سه تا پنج گروه از این دروزهینی‌ها (druzhiny) می‌توانستند در واحدهای بزرگ‌تری جمع گردند.

سازمان رزمی دهقانان در سطح کمون توسط یک مرکز کمون سیاسی و نظامی، در سطح بخش توسط یک مرکز بخش، که دروزهینی‌ها مطیع آن‌ها بودند، رهبری می‌گردد. باید توجه داشت، که سازمان دروزهینا بلغاری مبتنی بر یک تقسیم نسبتاً واضح عملکردهاست؛ علاوه بر واحدهای رزمی دروزهینا هم چنین شامل گشتی‌ها، مسلسل-چیان، پیک‌ها و غیره می‌باشد.

چنانچه چنین سازمانی به طور کامل ایجاد گشته بود و توانائی وفق خود با شرایط ویژه، از قبیل زمین، اهداف منتخبه، امنیت و غیره را می‌داشت، آن یقیناً انجام تکالیف محوله به شورشیان بلغاری را به نحو مؤثر امکان پذیر می‌ساخت. متأسفانه حزب کمونیست دیر به سازماندهی نیروهای چریکی برطبق این دستورالعمل پرداخت، و نتیجتاً در هر جا عملی نگردید. چنان که حزب ابتداء به طور جدی در یک نقطه زمانی با مسأله سازماندهی نیروهای مسلح در روستاها اشتغال یافت، که موج انقلاب به دنبال شکست در ۱۹۲۳ فروکش کرده بود.

در چین سازمان‌های رزمی جمعیت دهقانی دارای ساختار متفاوتی با بلغارستان می‌باشند ("نیزه‌های سرخ" و سایرین). واحد پایه یک گروه ده نفره است؛ این گروه‌ها به گروه‌های صد نفره، معمولاً حتی واحدهای قوی‌تر تبدیل می‌گردند.

در المان واحدهای دهقانی در پومرن (Pommern) و پروس شرقی در پایان ۱۹۲۳ و آغاز ۱۹۲۴ با الگوی صدهای پرولتاریائی در شهرها سازماندهی گردیدند: گروه‌های ۱۵-۱۰ نفره؛ بخش‌ها مرکب از سه چهار گروه؛ گروه‌های صد نفره متشکل از دو تا سه بخش.

مشکل است داوری این که این ساختار چه اندازه مؤثر بوده است، زیرا پیش رفتی در کار سازماندهی صدهای پرولتاریائی المان صورت نگرفته؛ حزب آن‌ها را ابتداء در یک نقطه زمانی تشکیل داد، که موج انقلاب در حال فرونشستن بود و آن‌ها سریعاً از هم پاشیدند. ولی از آن جا که این گروه‌های صد نفره عمدتاً عین ساختار دستجات ارتش قیصری بودند (که توده‌ها از زمان جنگ می‌شناختند)، و از آن جا که صدهای پرولتاریائی همه جا در ۱۹۲۳ در شهرها پذیرفته شدند، می‌توان تصور نمود، که این سازمان با شرایط المان مناسبت داشته است.

پسا جنگ داخلی در روسیه جنبش چریکی عموماً شکل مشابه واحدهای کوچک‌تر ارتش منظم را داشت: دستجات گروهان‌ها، اسواران، گردان‌ها، هنگ‌های سواره و پیاده نظام. هنگامی که ارتش سرخ به جبهه و چریک‌ها از پشت حمله ور می‌گردیدند آن‌ها متحداً دشمن را از مواضعش بیرون می‌راندند، سپس واحدهای چریکی با واحدهای ارتش سرخ درهم می‌آمیختند یا، آن چه که اغلب

پیش می آمد، به کارشان به صورت واحدهای مستقل از ارتش سرخ ادامه می دادند و افسران فرمانده و ادوات شان را از ذخیره های ارتش دریافت می داشتند و تحت فرماندهی عالی آن عمل می نمودند. نمونه های بالا از ساختار جنبش چریکی در ممالک گوناگون نشان گر اینست، که اصول مشابه برای واحدهای پایه ای ارتش منظم به طور عمده [برای واحدهای چریکی نیز] صادق است - اما هم چنین ضروری است در نظر داشت خصوصیات ویژه هر کشوری، اهداف جنبش چریکی در هر مرحله ای، اسلحه ممکن الحصول (یا تصرف شدنی در جریان رزم) و بالاخره ضرورت کار غیرقانونی. در صورت وجود کلیه این شرایط، می- توانیم پردازیم به ساختمان ویژه واحدهای چریکی: در مرحله آغازین باید گروه های رزمی کم و بیش غیرقانونی پنج نفره، هشت یا ده نفره، از روستا به روستا ایجاد گردند و به توسط رهبران شان تحت اطاعت کمیته نظامی کمون های روستائی و بخش و نمایندگان شان در روستا در آیند. به تدریج ضمن تکامل جنبش (همزمان با حدت گرفتن مبارزه دهقانان تهی دست)، این گروه های کوچک در گروه های بزرگ تر (دستجات دروز- هینی، گردان ها) گرد می آیند. این ها نیز می توانند تشکیل واحدهای بزرگ تری را بدهند.

در این مرحله، که واحدهای چریکی خرد به واحدهای بزرگ تر تبدیل می گردند، رعایت این اصل نظامی آزمایش شده ضروری است، که تحت عملیات هیچ رهبری بیش از چهار پنج واحد تحت فرمان خود نداشته باشد، به این دلیل که اگر بیش تر بود، تکلیف رهبری آن ها دشوار خواهد بود، آن چه که تأثیر تأسف باری در نتیجه نهائی خواهد داشت. این اصل زمانی که موضوع بر سر واحدهای چریکی است باید با سخت گیری افزون تری رعایت گردد، زیرا ماهیت ویژه آن ها و کمبود طبیعی رهبران شایسته بین خود چریک ها مسأله رهبری را به یکی از مشکل الحل ترین مسائل برای آن ها تبدیل می سازد.

نظارت بر برقراری واحدها، آموزش نظامی شان و عملیات شان در یک کمون روستائی، بخش، ایالت در یک کشور طبیعتاً باید برعهده فرماندهی های نظامی شعبه مربوطه حزب کمونیست قرار گیرد، از آن روی که این فرماندهی ها در قبال کل کار نظامی حزب مسؤول هستند. این فرماندهی ها هم چنین باید شامل رفقائی با تجربه ویژه کار در میان دهقانان باشند. فرماندهی های بخش و کمون های روستائی باید ضرورتاً دارای نمایندگان نظامی خود در میان دهقانان در هر روستا یا گروهی از روستا ها باشند؛ وظیفه آن ها عبارت خواهد بود از راهنمایی استقرار واحدها و آموزش نظامی شان در محل به توسط رهبران مربوطه (فرمانده) واحدهای چریکی کوچک و سازمان های دهقانی دیگر، در نقاطی که یافت شوند.

یکی از وظایف اصلی سازمان ها و رهبران آموزش چریک ها برای عملیات نظامی، خصوصاً آموزش کاربرد اسلحه خواهد بود - و این به ویژه در مورد ممالکی صادق است که در آن ها دهقانان از امکان آموختن هنر رزمی در ارتش منظم محروم اند (منظور ممالکی با ارتش های حرفه ئی یا با ممنوعیت اسلحه، ممالکی که در جنگ جهانی قبل [اول] یا در جنگ های دیگری شرکت نداشته اند). آموزش کاربرد اسلحه در اختیار چریک ها به آنان کافی نیست، آنان هم چنین باید حتی الامکان کاربرد کلیه سلاح های را بیاموزند، که احتمالاً دیرتر بتوانند از دشمن تصرف نمایند. اصل عمده باید این باشد، که هر چریکی تیراندازی خوب با یک تفنگ را بیاموزد، انواع مختلف

طپانچه به کاربرد، یک نارنجک دستی پرتاب کند و در مبارزه تن به تن (با نیزه ها، شمشیرها و غیره) ورزیده باشد.

هم چنین بسیار مهم است، که هر واحدی دارای شمار کافی گشتی ها، مسلسل چیان، پیک ها، نفرات مهندسی و پرستاران باشد. آموزش تعداد مناسبی از متخصصان جزو وظایف محوله بر رهبران واحدهای چریکی است.

چگونه می توان اسلحه برای تسلیح اولیه سازمان چریکی تازه فراهم ساخت؟ این مسأله ای است که حل آن به همان قدر مشکل می باشد، که حل مسأله تهیه اسلحه برای ارتش سرخ. اما باوجود مشکل بودن مسأله، آن را می توان حل کرد، حداقل به آن اندازه کافی که آغاز مبارزه برای فراهم آوردن اسلحه ممکن گردد. باید روشن باشد، که معمولاً نمی توان از قبل صاحب مخزن اسلحه بود. ضروری است استفاده از هر آنچه که به دست آید: اسلحه ای که دهقانان معمولاً به آن ها دسترسی دارند (تفنگ های شکاری، طپانچه ها، تبرها، میله های فلزی و غیره) هم چنین نارنجک ها و مواد منفجره، نیزه ها، شمشیرها و قس علی هذا. در بعضی موارد شاید خریداری اسلحه گرم میسر باشد.

ولیکن مهم ترین منبع تسلیح چریک ها غارت مخازن اسلحه و خلع سلاح سازی پولیس و گروه های سربازان می باشد - و این ها باید با اسلحه ابتدائی از قبل موجود انجام گیرد. باید تأکید داشت، که برای هر جنبش چریکی جداً فعال افزایش مخازن اسلحه و مهماتش یک تکلیف دائمی و پیوسته فوریت دار خواهد بود.

تاریخ جنبش چریکی در روسیه، چین و نقاط دیگر نشان می دهد، که واحدهائی که مبارزه علیه مقامات و ارتش را در بدو امر با چیزهائی به جز تبرها، میله های فلزی، دوشاخه، داس یا چماق معمولی نیازآزیده اند، بعد درجریان مبارزه تمام اسلحه مدرن مورد نیازشان (تفنگ ها، مسلسل ها، توپ ها و غیره با مهمات لازم) را تصرف نموده اند.

مبارزه چریکی باید همانند عملیات ارتش سرخ در شهر مطابق اصول و دانش و راهکار نظامی انجام گیرد. با این حال همواره ضروری است در نظر داشت وضعیت ویژه، نیز نقطه زمانی و شرایطی که واحد تحت آن ها کار می کند.

واحد چریکی به مانند سازمان رزمی در شهر تنها در صورتی می تواند به نیل به نتایج امیدوار باشد، که یکایک اعضای آن و خاصه رهبران آن حداکثر حرارت ممکن را به خرج دهند؛ "عامل زمان" در ضمن تدارک عملیات باید دقیقاً رعایت گردد؛ یک نقشه عملیات از قبل با دقت تهیه شود؛ نیروهای عهده دار هر وظیفه ای برطبق شرایط موجود گروه بندی شوند؛ یک شناسائی دقیق از دشمن و محل به عمل آید؛ رعایت اصل حمله غافل گیرکننده و غیره. کمبود اسلحه، فقدان واحدهای بزرگ (و پخش نیروها)، مشکل استقرار یک سیستم فرماندهی مناسب برای یک ایالت کامل یا فقط یک بخش کامل - این ضعف ها باید و می توانند با امتیازاتی از قبیل غافلگیر سازی، جسارت و مصمم بودن تحت عملیات چریکی برطرف گردند.

اجازه دهید در تأیید این ایده ها یکی از نمونه های عدیده ای را که چریک های سرخ در تاریخ روسیه در اختیارمان می گذارند، نقل کنیم.

در خاتمه جولای ۱۹۱۸ گاردیست های سفید شوروی بخش سال (Sal) را به محاصره خود درآورده بودند. روستای پلاتوفسکایا (Platovskaja) به اشغال واحد گنیلوریبوف (Gnil- oribof) با یک صد افسر و دویست کالموک اجباراً به سربازی گرفته شده درآمده بود. آن- ها به روی دهقانان طرف دار بلشویک ها آتش گشودند. سمیون میخائیلوویچ بودجوننی (Semjon Mikhailovitch Budjonny) (۱۸۸۳-۱۹۷۳) یک گروه چهار نفره در شهرک کوزورینو (Kuzorino) تشکیل داد و مصمم به حمله به پلاتوفسکایا جهت رها ساختن اسراء گردید. شب بین ۲۷م و ۲۸م جولای این گروه به یک حمله جسورانه پرداخته، اسراء را آزاد ساختند،

کالموک های غافلگیر شده را خلع سلاح نمودند و بلافاصله اسرای آزاد شده را تسلیح کردند. پس از یک جنگ تن به تن سخت گروهان افسران عقب نشینی نمود و غنیمت زیر را برای بودجوننی برجای گذاشت: ۲ توپ، ۴ مسلسل، ۳۰۰ تفنگ، ۶۰/۰۰۰ مهمات و ۱۵۰ اسب با تمام یراق شان.**
مادام که واحدهای چریکی جزو یک ارتش دهقانی کم و بیش نیرومند نگردند، قادر به مبارزه جدی علیه ارتش منظم در یک نبرد واقعی یا در رزمگاه نخواهند بود. اگر این واحدها از طرف نیروهای منظم در معرض حمله واقع شوند، بهترین کار این خواهد بود، که از رزم در محل برای سعی دفاع از خود به صورت نیروهای منظم بپرهیزند. زیرا چریک ها با نظر به ضعف نسبی شان نمی توانند به یک عملیات تدافعی امیدوار باشند. قوت چریک ها در دفاع نیست، اما در عملیات جسورانه و غافلگیر کننده شان است. رزمندگان چریکی از لحاظ نظامی به اندازه کافی برای عملیات تدافعی قوی نیستند. آن ها باید در همه جا و در هر وقت آماده حرکت رزمی نقشه مندانه باشند؛ آن ها باید ضربات سریع و غیر مترقبه بر دشمن در لحظه و جایی که انتظارش را ندارد، وارد سازند؛ سپس باید آن ها سریعاً عقب بنشینند و از رویارویی تعیین کننده در صورتی که شرایط و تناسب نیرو در محل و نقطه زمانی خاصی به نفع آن ها نیست، برحذر باشند، و در عوض آن باید دشمن را از زاویه ای دیگر غافلگیر سازند.

ضمن تدارک حمله بزرگ به شهرها، شکل دهی نیرو و غیره رهبران واحدهای چریکی باید اهمیت بسیاری به این قائل شوند، که به کدام سمت اصلی حمله باید به عمل آید.
هر نوع کوششی جهت مضروب ساختن هر نقطه با نیروی یکسان به منزله پراکنده نمودن نیروهای خودی است. رهبران باید کار و توجه شان را بر خط اصلی حمله متمرکز سازند، آن جا که می توانند به نیل به نتیجه سریع و تعیین کننده امیدوار باشند، و فقط باید اندک ترین شمار مردان و کم ترین ادوات ممکن را برای عملیات با اهمیت نازل حفظ کنند. وانگهی ضمن نقشه ریزی عملیات مرکب با چند واحد جهت اشغال این یا آن هدف با یک حمله غافل گیر کننده باید به خاطر داشت، که عامل زمان بی نهایت مهم است. در صورت عدم رعایت شدن این دو اصل راهکارانه، نتیجه شکست خواهد بود، حتی محو گشتن واحدهای تهاجمی.

در این نوع عملیات مرکب وجود یک فرماندهی واحد نیز دارای نقش بزرگی است. نباید فقدان رهبری شایسته در کار باشد و نه حتی رهبری های چندی وجود داشته باشند (که در این صورت هر واحدی مستقلانه کار خواهد کرد)؛ این مجاز نیست. نقشه عملیات باید به صورت مشترکانه تهیه

گردد، و درجریان مبارزه یک رهبری مشترک کلیهٔ اوامر را به واحدهای شرکت کننده در عملیات صادر نماید. این شرط تعیین کنندهٔ موفقیت جمیع عملیات می باشد.

ادامه دارد